

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: مغنی، باب (ابع)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. در جمله «هند قام عمرو أخوها» نقش کلمه «أخوها» چیست؟ ب ۵۸/۲
- أ. بدل ب. عطف بیان ج. بدل یا عطف بیان د. صفت
۲. در آیه شریفه «وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» (انعام/۲) مسوغ ابتدا به نکره چیست؟ ج ۶۷/۲
- أ. عامل بودن ب. عطف ج. موصوف بودن د. عام بودن
۳. «واو» در «لا تأکل سمکاً و تشرب لبناً» در صورت مجزوم بودن «تشرّب» ب ۷۶/۲
- أ. عطف بر محل می کند ب. عطف بر لفظ می کند ج. عطف بر توهّم می کند د. استینافیه است
۴. به نظر ابن هشام نقش «أنت» در آیه شریفه «كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ» (مائده/۱۱۷) چیست؟ أ ۸۴/۲
- أ. تأکید یا ضمیر فصل بودن ب. مبتدا یا ضمیر فصل بودن ج. عطف بیان یا بدل بودن د. بدل بودن

سؤالات تشریحی:

۱. شرایط عطف بر محل را بنویسید. ۷۱/۲

۱. امکان ظهور آن اعراب محلی در لغت فصیح ۲. آن محل دارای اولویت، و اعراب اصلی آن کلمه باشد ۳. وجود مُحْرز.

* تقول: «زید فی رزق عمرو عشرون دیناراً» برفع «العشرین» لا غیر، فَإِنْ قَدَّمْتَ «عمراً» فقلت: «عمرو زید فی رزقه عشرون» جاز رفع «العشرین» و نصبه.

۵۵/۲

۲. علت وجوب رفع «عشرون» در مثال اول و جواز نصب و رفع آن در مثال دوم چیست؟

زیرا در مثال اول اگر «عشرون» منصوب شود پس مفعول است و باید کلمه «فی رزقه» نائب فاعل باشد در حالی که زمانی که مفعول در کلام وجود دارد نوبت به نیابت جار و مجرور نمی رسد. اما در مثال دوم می توان عشرون را مرفوع گرفت بنا بر نائب فاعل بودن یا منصوب گرفت بنا بر آن که «هو» مستتر در «زید» نائب فاعل باشد و به هر حال «فی رزقه» نائب فاعل نمی شود.

۳. در چه مواردی لازمه بودن «حال» واجب است؟ ۶۳/۲

در سه مورد قیاسی است: ۱. حال جامده غیر مؤکده به مشتق ۲. حال مؤکده ۳. حالی که دلالت بر تجدد صاحبش دارد. در مواردی هم سماعاً واجب است.

* إذا كان الضمير مرفوعاً بأول المتنازعين المعملِ ثانيهما فيجوز عوده الى متأخر لفظاً و رتبة نحو: جفوني و لم أجف الأخلاء اننى * لغير جميل من خليلي

مهمل ۸۰/۲

۴. عبارت را با شعر تطبیق کنید.

ضمیر فاعلی جفونی به کلمه «الأخلاء» بر می گردد که متأخر است لفظاً و رتبة (زیرا مفعول «لم أجف» است که فعل دوم است و رتبه اش از جفونی که فعل اول است متأخر است) و عامل اول عامل مهمل است در باب تنازع و عامل دوم عامل معمل است (کلمه «الأخلاء» هم متنازع فیه است).

* الجملة الخبرية تحتاج الى الرابط و من ثمّ كان مردوداً قول ابن الطراوة في «لولا زيد لأكرمتك» ان «لأكرمتك» هو الخبر. ۸۷/۲

۵. قول ابن طراوه و دليل بطلان آن را توضیح دهید.

ابن طراوه می گوید در جمله فوق، «لأكرمتك» خبر برای زيد است در حالی که جمله خبر نیاز به رابط دارد و «لأكرمتك» هیچ رابطی به زيد ندارد.

۶. چرا بدل «كلّ» نیاز به رابط به مبدل منه ندارد؟ همراه با مثال توضیح دهید. ۸۹/۲

انما لم يحتج بدل الكل الى رابط لأنه نفس المبدل منه في المعنى كما أنّ الجملة التي هي نفس المبتدأ لا تحتاج الى رابط لذلك نحو: «قتل الحسين ابن فاطمة (عليها السلام)».

* العاملان في باب التنازع لابدّ من ارتباطهما إمّا بعاطف أو عمل اولهما في ثانيهما نحو: «وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا» (جن/۴).

۷. اصل تنازع و نحوه وجود رابط در آیه شریفه را تبیین کنید. ۹۰/۲

کلمه «کان» و «يقول» تنازع بر «سفيهنّ» دارند؛ «کان» آن را به عنوان اسمیت می طلبد و «يقول» به عنوان فاعلیت. رابط نیز عمل «کان» در «يقول» است زیرا «يقول» خبر «کان» می باشد.

۸. جمله «فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ» چگونه دلیل می شود بر آن که نکره مسوغه در صورت وجود معرفه، می تواند مبتدا واقع شود؟ توضیح دهید.

۵۲/۲

زیرا کلمه «حسبک» با وجود آن که نکره مسوغه است ولی اسم «إنّ» واقع شده و الله که معرفه است خبرش می باشد. کلمه «حسب» از مضاف الیه «ک» کسب تعریف نکرده است زیرا از کلماتی است که حتی در صورت اضافه شدن به معرفه، کسب تعریف نمی کنند.

۹. دو ترکیب در علت نصب کلمه «شمس» در آیه شریفه «و جاعل الليل سكناً و الشمس» (انعام/۹۶) را بنویسید. ۶۰/۲

۱. «شمس» عطف بر محل «لیل» بنا بر عدم اشتراط وجود محرز.

۲. «شمس» معمول برای فعل «جعل» یا کلمه جاعل محذوف. (در ترکیب دوم ذکر یک مورد کافی است)